



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۱۹/۰۲/۲۱

حنیف رهیاب رحیمی

تا یکی ای قوم شیران تابکی!؟

زمین و زمان را به گروگان گرفته و گوش فلک را کر کرده اند که تاریخ پنجهزار ساله داریم، در هر گوشه دنیا که گپ از غیرت، مردانگی و کاکگی بلند شود، بروت های خود را تاب می دهند که ما افغانها بهتر از همه و با غیرت تر از همه مردمان جهان هستیم و دیگران را یک توت هم ارزش نمی دهیم به انسان بودن هم راضی نمی شوند و ابلهانه داد می زنند که ما شیر هستیم شیر!

خود را از نژاد آریایی هم می دانند و در جنگ و جهانگشایی و دلیری با هتلر سیالی و رقابت دارند و افتخار می کنند که سکندر کبیر را سخت شکست داده اند...

اما افسوس که در کردار و رفتار روزمره و در صحنه عمل و در واقعیت پسمانده تر، حقیر تر، محتاج تر و بدبخت ترین همه مردمان دنیا هستند.

نه ملا، به ملا مانند است، نه طالب به طالب، نه سیاستمدار سواد دارد، نه رهبر دلسوز و عادل است، نه تاجر و دکاندار با انصاف است و نه مسلمانی شان به مسلمانی می ماند.

نه دین و آئین دیگران به نظر شان به پیروی می ارزند، نه به قول و پیمان شان وفادار هستند، نه راستگو و وقت شناس و وظیفه شناس، نه قهر شان دلیل موجه دارد و نه خوشی درین سر زمین برای کسی مانده، نه مال و جان کسی در امن و امان است و نه دیگران را از خود بهتر و بالاتر دیده می تواند...

کلمه طیبه و شهادت می خوانند، پنج وقت نماز را در جماعت ادا می کنند، چاکلیت و شیرینی جلاتین دار را حرام می دانند اما از خوردن حق یتیم و مال ملت و بیت المال یک ذره هم ابا نمی ورزند خون دیگران را مانند شربت انار به سر بالا می کنند. وقتی پای منفعت شخصی شان به میان می آید، گرگ می گردند و وقتی بالایشان فشار و سختی آمد و دیدند که منافع شان را از دست می دهند، به هر در و دروازه خود را می رسانند

یک چند قراردادی و معامله گر که چوکیداری مقامات بلند را به اجاره گرفته و دیگران را در جمله بنی آدم هم نمی شمردند، درین روزها برای گرفتن قدرت چنان مصروف تک و دو و به هر سو سرگردان هستند که نه دوست را درست می شناسند و نه پروای دشمن را دارند حتی به مالیدن پیشانی های با طهارت و دستارهای شان بر لخت دروازه لنین و کرملین هم حاضر و آماده هستند.

اینرا بخاطری می گویم که مجاهدین صاحبانی که از سال ۱۳۵۸ الی بیرون شدن روسها در سال ۱۳۶۷ برای مدت ۹ سال علیه روسهای اشغالگر و کمونست جهاد کردند، هزاران جوان ساده دل را بکام مرگ فرستادند و لقب مفت و مجانی شهید برایش دادند، میلیونها انسان را آواره و راهی پاکستان و ایران کردند، چندی پیش با رضا و رغبت و خوشی خود شان، به مسکو تشریف بردند و از پوتین این جانشین کرسی ستالین کبیر، لنین معظم و بریژنف بزرگ! تمنا و التجا کردند که در رسیدن بر کرسی قدرت و حکومت، به آنها دست یاری دهد و نگذارد بی آب و بی پرده شوند و خواستند به آقای شان ثابت سازند که این غنی که خود را مغز متفکر نامیده نزدیک است هم خود را بی آب سازد و هم همه ما را!

د پانو شمیره: له ۱ تر ۲

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی دلیکنیزی بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکې په خیر و لولی



اینست غیرت شیران ما، که غُر می زدند ما شیر هستیم!

و اینست همت و شهامت مسلمانان ما که خود را وارثین پیامبر اسلام نام نهاده با کفاندن و مُردار ساختن شان، ده ها هزار طفل را در کشور یتیم و بی پدر و دربردر ساخته اند!

اگر سربازان و افسران قشون سرخ با وجود آنهمه جنایات و خونریزی هایی که کردند، درین روزها در کشور شان روی جاده ها ریخته اند و شعار می دهند که آنها بخاطر وظیفه انترناسیونالیستی شان جهت کمک به مردم افغانستان به آنکشور رفته بودند بناءً باید جنگ شان در افغانستان برحق، عادلانه و قانونی شناخته شود، حق شان است و ملامت نیستند. آنها بدون شک به مراتب کمتر و آسان تر از طالب، محقق، اسمعیل و گلبدین و امثال آنها کشتند. این ننگ بزرگ را نمی دانم تاریخ چگونه در اوراق سینه اش خواهد گنجاند که عده ای از افغانها به سرکردگی کرزی و گلبدین و نور و خلیلی و محقق و سایر مجاهدین دین فروش، بخاطر ملاقات نماینده وحشی های قرن، آدمکشان حرفوی، مزدوران پاکستان و ایران، جناوران بی احساس و بی مغز به مسکو رفتند و در حقیقت ارواح لنین کبیر و بریژنف را آرامش و خشنودی بخشیدند.

ای تشنگان قدرت و دزد های شناخته شده، از آه و ناله یتیمان، بیوه زنان، مادران و پدران داغدیده، بترسید و به صدای وجدان تان یکبار گوش دهید!

(پایان)